

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال چهارم، شماره سیزدهم، پاییز ۱۳۹۱

صفحات: ۴۲-۳۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱/۲۸- تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۳۱

جایگاه و حقوق زن در نهج البلاغه

سکینه صارمی گروی*

حسن مجیدی**

چکیده

این پژوهش به تحلیل جایگاه و حقوق زن در نهج البلاغه پرداخته است. یکی از منابعی که از دیرباز در مباحث انتقادی درباره «جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی» مورد استفاده قرار گرفته، کلام امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه است. برخی با تمسک به ظاهر کلام حضرت، کمال پذیری زن و وجود ارزش های والای انسانی او را انکار کرده و وی را موجودی دون و بی پایه انگاشته اند، و دسته ای دیگر با تاکید بر منزلت و کرامت والای زن، کلام حضرت را منافی با منزلت و جایگاه حقیقی اش پنداشته اند. این بررسی در سیره حضرت ثابت می کند که ایشان علی رغم سنت جاهلیت، به شخصیت و مقام زن احترام بسیار می گذاشته اند. در بیان کرامت و منزلت زن همین بس که او را مظهر جمال و عظمت الهی معرفی نموده اند. در کلامی دیگر از زن به عنوان امانت الهی یاد شده است که همچون امانت های دیگر خداوند، ارزشمند و قابل احترام می باشد و باید آنچنان که شایسته امانت گذاری است از او محافظت و نگهداری شود. حضرت به احیای حقوق زن از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی، اجتماعی... توجه خاصی مبذول می فرمود. افزون بر آن که مردان را به رعایت حقوق زنان توصیه کرده است.

کلید واژگان: امام علی (ع)، نهج البلاغه، حقوق زن.

* کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول: s.sarami66@yahoo.com)

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری

امروزه محرز است که شرکت همگانی مردم برای توسعه پایدار و قابل کنترل، لازم و اجتناب ناپذیر است. زنان ذخیره های انسانی مهم و ارزشمندی برای سازندگی، اعتدالی معنوی و مادی کشور محسوب می شوند و شرکت ایشان در فعالیت های اجتماعی در حوزه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از لوازم اساسی رشد کشور و از آرمان های انقلاب اسلامی تلقی می شود. آنچه که موجب بالا رفتن میزان مشارکت زنان در جامعه می شود احترام به حقوق و شؤون آنان است. بدون شناخت ویژگی های روانی، اخلاقی، نیازها، توانایی ها و ظرافت های دنیای شگفت انگیز بانوان و آگاهی از جایگاه حقیقی آنان در نظام هستی، استفاده از عواطف، ادراکات، و توانایی های جسمی و روحی زنان مقدور نیست. علی رغم پژوهش ها و کوشش های انجام گرفته پیرامون زن و حقوق وی، هنوز سؤالات و شبهاتی در این زمینه اذهان جوانان را به خود مشغول داشته است. یکی از منابعی که از دیرباز در مباحث اخلاقی درباره جایگاه و منزلت زن در نگرش دینی به آن استناد شده است کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می باشد. گروهی با تمسک به ظاهر کلام حضرت، کمال پذیری زن و وجود ارزش های والای انسانی او را انکار کرده و وی را موجودی دون و بی مایه پنداشته اند، گروهی دیگر با تاکید بر کرامت و منزلت زن، کلام حضرت را منافی با مقام و جایگاه حقیقی زن انگاشته اند. اکنون سؤال اینست، واقعیت چیست؟

برخی روشنفکران با نگاه انتقادآمیز به تبعیض حقوقی زن و مرد از نگاه حضرت امیر حکم نموده اند؛ عده ای نیز به فرودستی زن در نهج البلاغه حکم کرده و آن را در شأن علی (ع) نمی دانند؛ گروهی دیگر به خاطر اجتناب از چنین رویکردی به تاویل و تفسیر به رای خطبه ها روی آورده اند؛ و بعضی هم به ظاهر عبارات و گفته های نهج البلاغه اکتفا کرده و آن را مطابق اسلام و شریعت پنداشته و زن را فرودست، ناقص و بی ارزش، و مرد را فرادست، با ارزش و کامل می دانند. در نگرش علی (علیه السلام) زن چگونه موجودی است؛ سلوک اجتماعی و سیره عملی حضرت کدام نظریه را تایید می کند؛ واقعیت این است که امروزه زنان در امور مدیریتی، اداره امور اجتماعی، قدرت تعلیم و تعلم و بسیاری از امور دیگر نه تنها از مردان کمتر نیستند بلکه در برخی موارد از توانایی های بالایی برخوردارند، لذا احادیثی که زنان را تحقیر و فرودست نشان می دهد بسیار قابل تأمل می باشد به هر طریق این حساسیت و شبهات باید در سطح عمیق مطمع نظر و تأمل قرار گیرد.

بررسی دقیق حقوق زن در اندیشه امام علی (ع) مستلزم گردآوری تمامی سخنان آن حضرت و آگاهی از وضعیت تاریخی و سیاسی و اجتماعی آن دوران است. درستی انتساب، استواری متن و قطعی بودن سند روایت جایگاه مهمی در این روند دارد.

اسلام با صراحت کامل و قاطعانه هویت انسانی زن و مرد را متحد می‌داند. نصوص قرآن در بیان وحدت هویت انسانی زن و مرد قابل‌خنده نیست. (رحمانی، ۱۳۶۹، ص ۳۱). شناخت زن، در حقیقت شناخت انسان و کرامت اوست. زن در آفرینش در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است، تمایز و فرقی در حقیقت و ماهیت میان زن و مرد نیست. قرآن کریم به صراحت از این حقیقت پرده برمی‌دارد و در اولین آیات سوره نساء می‌فرماید:

«یا ایها الذین اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفسٍ واحدۀ و خلق منها زوجها و بثّ منها رجالاً کثیراً و نساء...» (نساء، ۱).

ای مردم! از مخالفت با فرمان‌های پروردگارتان پرهیزید آن که شما را از یک تن آفرید و جفتش را از جنس او پدید آورد و از آن دو تن مردان و زنان بسیاری را منتشر و پراکنده ساخت.

خداوند در قرآن به دفعات مکرر از زنان تجلیل کرده و نه تنها آنها را پایین و ناتوان نشمرده بلکه در موارد بسیار آنها را عزیز داشته است.

آیت الله جوادی آملی در ذیل این آیه می‌فرماید:

«منظور از نفس در آیه کریمه همان گوهر، ذات و واقعیت شیء است و مراد از آن روح، جان و روان نیست... آیه دلالت دارد که همه انسانها از هر صنف، خواه زن و خواه مرد، از یک ذات و گوهر آفریده شده‌اند. زیرا کلمه «ناس» شامل همگان می‌شود. پس حضرت حوا از همان ذات و گوهری آفریده شده که حضرت آدم (علیه السلام) از آن آفریده شده است، نه از گوهر دیگر و فرع بر مرد و زاید و طفیلی وی و...» (آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲)

خداوند حکیم به جهت اهمیت مطلب و ثبوت آن در اذهان و رفع هر گونه شبهه، در آیات متعددی آن را ذکر نموده است، به عنوان مثال می‌فرماید:

«و من آیاته خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها» (روم، ۲۱)

و از نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید.

در این آیه نسبت مرد با زن، نسبت سکینه و سکونت و اطمینان و آرامش و انس می‌باشد؛ که البته مفهوم سکونت و آرامش فقط در ارتباط با زن مطرح نشده است. (رحمانی، ۱۳۶۹، ص ۲۰۴). از بیان آیات روشن شد که آفرینش زن و مرد از یک گوهر است و هیچ مزیتی برای مرد نسبت به زن در اصل آفرینش نیست. اگر در بعضی روایات مزیتی این چنینی ذکر شده است یا از جهت سند نارساست و یا از جهت دلالت، ناتمام است.

اینکه زن از دیدگاه امیرالمومنین (علیه السلام) دارای چه مقام و منزلتی است مبتنی بر این است که در بینش حضرت، انسان از چه مقام و جایگاهی برخوردار است، زیرا پیامبر و ائمه

اطهار (علیه السلام) تنها برای هدایت مرد نیامده اند بلکه برای هدایت انسان مبعوث گشته اند و فصلی که عهده دار بیان ارزش ها و ضد ارزش هاست هرگز موصوف آنها را بدن نمی داند؛ یعنی بدن نیست که مسلمان یا کافر، عالم یا جاهل، متقی یا فاجر، صادق یا کاذب... می باشد. به عبارت دیگر زن بودن یا مرد بودن مربوط به پیکر است نه جان و روح. تعلیم و تربیت و تهذیب و همه ارزش ها از آن نفس است و نفس غیر از بدن و بدن غیر از نفس است. حقیقت انسان نفس و روح است نه زن و مرد. از دیدگاه علامه خوئی مردان ناگزیر از رویارویی و برخورد با شئون مادی و دنیوی می باشند که زندگی آنان از جهات مختلف با آن شئون ارتباط دارد، مانند مواجه شدن با مال، زن، همسایگان، نزدیکان، فرزندان و غیره که در این برخوردها آنان با سختی ها و آسانی ها، خوبی ها و بدی ها و... روبرو می شوند که این امور، به خوبی یا بدی مرد در زندگی بر می گردد.

مشکل ترین این برخوردها، برخورد با زن، در شئون مختلف زندگی است و علی (ع) با سخنان خود این آگاهی را داد که این رویارویی از تمام جهات برای مرد شر است؛ زیرا زن اگر آشوبگر باشد عقل مرد را سلب می کند و اگر بدکار باشد دل مرد را ترسو می کند، اگر همسر مرد باشد، مرد مکلف به پرداخت نفقه اش می باشد و اگر زن بیگانه باشد مرد را به فساد و گمراهی سوق می دهد و اگر دشمن مرد باشد با بهتان و دروغ بر او پیروز می شود. با تمام این اوصاف مرد ناچار از بودن با زن است و رهایی وی از دست زن امکان پذیر نیست. (خوئی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳)

اما اگر چه زن و مرد از نظر خلقت دارای موقعیت یکسانی هستند لکن به جهت مسؤولیت های متفاوتی که در عرصه حیات دارند هر یک دارای ویژگی های خاصی نیز می باشند که مهم ترین ویژگی های زن در دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) در ذیل آمده است.

ویژگی های مثبت زن منزلت والای زن

زن به مقتضای خلقت خویش از جایگاه ممتازی برخوردار است که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد. جایگاهی بزرگ که تعیین کننده وظیفه و مسؤولیت اجتماعی اوست. وظیفه ای آنچنان بزرگ که انجام آن، محور اساس صلاح فردی و اجتماعی بوده و عدم انجام آن اساس فساد فردی و اجتماعی می باشد. مسؤولیتی که اگر آن را به عنوان یک امر الهی و تکلیف عقلی و دینی انجام رساند به کمال انسانی خود خواهد رسید و بهشت را زیر پای خویش خواهد دید ولی رها ساختن و کنار زدن آن جایگاه، که زیر بنای تکوینی مسؤولیت انسانی و تکلیف الهی است زن را به پایین ترین مرتبه وجودی تنزل خواهد داد چنان جایگاهی عبارت

است از پرورش و آماده سازی انسان. زن کشتزار نسل بشری است. او نگهدارنده و حافظ بقای حیات است. کرامت آدمی بسته به کرامت زن است: «نساءکم حرث لکم» (بقره، ۲۲۳) زنان کشتزار شما هستند.

کلمه «حرث» این معنی را در بردارد که شرط اصلی پرورش بذر و دانه، کشتزاری است که آنها در آن نهفته شده است. کشتزاری که شرط اساسی محصول مناسب را ندارد اگر بهترین بذر هم در آن کاشته شود هرگز به بار نخواهد نشست پس اینکه خداوند رحم و دامن زن را کشتزار رشد و پرورش انسان قرار داده است شرط اساسی جوانه های شرف و انسانیت و فضائل اخلاقی را در آن به ودیعت گذاشته است که از جمله عاطفه، مهر و دلسوزی است.

ویل دورانت^{۱۱} می گوید: «انداختن مسؤولیت اصلی تشکیل شخصیت نوزاد انسانی برعهده مادر از لحاظ روانشناسی چنین معنا می دهد که زن در واقع سرچشمه زندگی است» (دورانت، ۱۹۷۰، ص ۲۷۴).

طبق قانون توارث که هر موجودی صفات و خصوصیات جسمانی و روحی خود را به موجود مستقر در صلب و بطنش هست منتقل می کند، صفات و خصوصیات جسمانی و روحی زن به نطفه ای که در رحم او جای گرفته انتقال می یابد اگر صفات و حالات منتقل شده به کودک، جهت انسانی و مثبت داشته باشد، زمینه رشد شخصیت مثبت انسانی قوی تر از شخصیت منفی خواهد بود و چنانچه صفات انتقالی دور از شایستگی های معنوی و انسانی باشند زمینه رشد منفی شخصیت شدیدتر خواهد بود. رحم مادر نقش مهمی در جهت گیری استعدادها و چگونگی ظهور مراتب دارد. به همین جهت پیشوایان دینی تاکید بر ازدواج با زن صالح دارند. حضرت علی (علیه السلام) نیز بعد از شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) از عقیل خواستند با توجه به علم انساب همسری برای ایشان انتخاب کند که فرزندان قوی و شجاع به دنیا آورد. آنگاه که ترس فرزندشان محمد حنفیه را در رویارویی با دشمن در جنگ جمل دید آن روحیه را از آثار به جای مانده از مادرش دانسته و فرمودند: ادر ککک من عرق امکک (نجفی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴)

زن، امانت الهی

حضرت علی (علیه السلام) زن را امانت الهی می داند که همچون امانت های دیگر خداوند ارزشمند و قابل اکرام و احترام می باشد و باید آنچنان که شایسته امانت گذار است از او محافظت و نگهداری شود. زیرا در قیامت خداوند متعال از امانت های خود سؤال می فرماید که با آنها چگونه رفتار کردید. آیا حق امانتداری را به جا آوردید؟! «انهن امانه الله عندکم فلا تضاروهن و لا تعضلوهن»

^{۱۱}. Dourant

زنان امانت خدا بر شما هستند به ایشان زیان نرسانید و بر ایشان سخت نگیرید. (امام علی(ع)، ترجمه دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۲) امام (علیه السلام) دو جمله را از آیات ۶ سوره طلاق و ۲۳۲ سوره بقره و ۱۹ سوره نساء اقتباس فرموده است. به همین جهت است که وقتی حضرت، فاطمه (علیها السلام) را به خاک می سپارند، می فرمایند: «امانت خدا از دست من گرفته شد.» (امام علی(ع)، ترجمه دشتی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۲)

زن، مایه آرامش

خداوند عالم را بر محور محبت اداره می کند، راه محبت کوتاه ترین و آسان ترین راه در جهت تقرب الی الله می باشد. زن مظهر عاطفه و محبت الهی است و از آنجا که معمولا عاطفه بیش از قهر کارساز است، زن راه محبت را بهتر از مرد درک می کند:

«و من آیاته ان خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا مَوَدَّةً...» (روم، ۲۱)

و از نشانه های قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و محبت و دوستی را بین آنها قرار داد.

منشا گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن، همانا مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها قرار داده است. این مودت و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزه در جنس مخالف است که در حیوان ها هم موجود است و حتی در حیوانات وحشی گاهی بیش از انسان یافت شود. پس راز اصیل آفرینش زن چیزی غیر از گرایش غریزی و اطفای شهوت خواهد بود. و از این رهگذر است که زن محبوب رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) واقع می شود:

«حَبَّبَ إِلَيَّ مِنَ دُنْيَاكَ النِّسَاءَ وَ الطَّيِّبَ وَ قَرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (پاینده، ۱۳۴۴، ص ۲۸۳)

از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: زنان، بوی خوش و نور چشم من در نماز است.

در پرتو همین نگرش است که حضرت علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ می فرماید:

«لَا تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ...» (امام علی(ع)، ترجمه دشتی،

۱۳۸۸، ص ۳۸۲)

کاری را که برتر از توانایی زنان است را به آنها واگذار مکنید؛ همانا زن گل بهاری است... تعبیر زیبایی است. چه نکته ها و حکمت هایی که در این تشبیه زیبا نهفته است. زن گل هستی است. گل مظهر محبت و عشق و صفاست. گل کانون طراوت و شادابی است. حضرت با یک جمله کوتاه اما پر معنی به چند ویژگی اساسی زن اشاره می کند، ویژگی هایی که بیانگر راز آفرینش او و تعیین کننده نقش او در هستی است. زن با توجه به آن می تواند بسیاری از مسؤولیت های خود در زندگی را درک کند. تعدادی از این ویژگی ها عبارت است از: زن زیبایی بخش هستی و دور کننده کدورت ها و ناملایمات زندگی است، زن لطیف و ظریف است نباید کارهای مشکل و دشوار را بر او تحمیل کرد، زود افسرده و پژمرده

می شود نباید عواطف و احساسات او جریحه دار شود، آرامش بخش زندگی است، طراوت و شادابی جهان از اوست، زن عطر هستی است.

آیت الله جوادی آملی در این رابطه، تشبیه زیبا و گویایی دارند:

«عاطفه است که بنیان مرصوص را نگه می دارد هرگز نمی شود کاخی ساخت که همه اش از آهن و سنگ سخت باشد بلکه یک ملاط نرم نیز لازم است تا سنگ های سرد و سخت و آهن های متصلب را در آغوش خود جا بدهد. زن مظهر عواطف و احساسات است و اگر عاطفه را از جامعه گرفتید مثل آن است که این ملاط ها را از لای این دیوارها و آجرها و سنگ ها برداشته اید که رفتن این ملاط ها همان و سقوط ساختمان همان.» (آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰)

حضرت علی (ع) در کلامی دیگر تاکید دارند که نباید عواطف و احساسات صرف، مبدا تمام انفعال و رفتار زن باشد بلکه بهره گیری زن از زیبایی های ظاهری وجودیش در تمام مراتب باید به گونه ای متفاوت باشد، یعنی استفاده صحیح و درست از اندام زیبایش، بهره گیری از عاطفه و محبت و احساس، روی آوردن به آرامش بدن و لباس و ظرایف گفتار و عملش نشانه عقل می باشد:

«عقولُ النساءِ فی جمالهن و جمال الرجال فی عقولهن» (ابن بابویه، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴)

عقل زنان در زیبایی آنها و زیبایی مردان در عقل آنهاست.

یعنی ظهور فعلی عقل زن در بهره گیری صحیح از جمالش امکان پذیر است و جمال زن باید مظهر اندیشه و جوهره عقل باشد. هیچگاه این کلام حضرت نکوهش زن نیست. ممکن است بیان حضرت معنای دستوری داشته باشد نه وصفی، بدین معنی که حضرت در مورد توصیف دو صنف از انسان نیستند که بفرمایند عقل زن در جمال او خلاصه می شود و جمال مرد در عقل او تعبیه شده است بلکه معنای آن اینست که زن موظف است یا می تواند عقل و اندیشه انسانی خویش را در ظرافت عاطفه و زیبایی گفتار و رفتار ارائه دهد چنانکه مرد می تواند هنر خود را در اندیشه انسانی و تفکر عقلانی خویش متجلی سازد.

اوج گرائی و تکامل زن

زن را باید به چشم یک انسان والا به عنوان یک موجودی که می تواند مایه ای برای اصلاح جامعه و پرورش انسان های والا شود نگاه کرد تا معلوم شود زن کیست؟ و توانایی او چقدر است؟

قرآن هرگاه از کمالات و ارزش های والایی که انسان ها بدان می رسند سخن می گوید، زنان را نیز همدوش و همسان مردان مطرح می نماید:

«انّ المسلمینَ و المسلمات و المؤمنینَ و المؤمنات و القانتینَ و القانتات و الصادقینَ و الصادقات و الصابرينَ و الصابرات و الخاشعینَ و الخاشعات ...» (احزاب، ۳۵)

خداوند برای زنان و مردان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان فروتن....

این آیه صریحا و بدون کمترین ابهام مرد و زن را از نظر شخصیت و عناصر و اوصاف عالی و ارزشمند متحد می‌داند. (رحمانی، ۱۳۶۹، ص ۳۳). زن می‌تواند تا آنجا پیش برود که افتخار خاندان وحی گردد. در این آیه اسلام و ایمان و قنوت و صدق و صبر و خشوع و خویشن داری و پاکدامنی و... برای مرد و زن برابر آفریده شده و اثبات شده است که هر یک از دو جنس می‌توانند به این مقامات دست یابند و در تکامل و عروج یکسان باشند و به مقامات بالای قرب و معنویت برسند. (حکیمی، ۱۳۸۳، ص ۲۲)

گذری بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه

«معاشر الناس، إن النساء نواقص الايمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول. فاما نقصان ايمانهنّ فقعودهنّ عن الصلاة والصيام في ايام حيضهنّ و اما نقصان عقولهن فشهاده امراتين كشهادة رجل الواحد و اما نقصان حظوظهنّ فمواريثهنّ على الانصاف من مواريث الرجال. فاتقوا شرار النساء و كونوا من خيارهنّ على حذر و لا تطيعوهنّ في المعروف حتى لا يطمعن في المنكر»

ای مردم همانا زنان در مقایسه با مردان در ایمان، و بهره‌وری از اموال و عقل متفاوتند. اما تفاوت ایمان بانوان، بر کنار بودن از نماز و روزه در ایام خاصی است و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت است که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است و علت تفاوتشان در بهره‌وری از اموال به این جهت است که ارث زن نصف ارث مرد است. پس از زنان بد بهره‌یز و مراقب نیکانشان باش. در خواسته‌های نیکو همواره فرمانبردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع نورزند. (امام علی(ع)، ترجمه دشتی، ۱۳۸۸، ص ۹۰)

توجه به یک نکته ضروری است و آن هم اینکه این خطبه بعد از جنگ جمل ایراد شده است، در حالی که این خطبه به طور خاص مربوط به زنان است! این سوال به ذهن متبادر می‌شود که چرا امیرالمؤمنین بعد از جنگ جمل درباره زنان و ویژگی‌های آنان سخن گفته‌اند؟

نکته‌ای که مهم است این است که تفاوت این جنگ با سایر جنگ‌ها در این بود که عامل برپایی این جنگ "عایشه" بود. پس این تفسیر که عده‌ای معتقدند مضامین این خطبه کلی نیست و مربوط به شخص و شرایط خاصی است کاملا منطقی به نظر می‌رسد، چراکه وقتی امیرالمؤمنین بعد از جنگ جمل خطبه‌ای در مورد زنان ایراد می‌کنند در حالی که عنصر اصلی آن جنگ هم یک زن بوده است، حتما هدفشان بیان تناسب اجتماعی و شرایط خاص زن در مسائل نظامی است. به علاوه یک اصل مهم در بررسی سیره ائمه و تفسیر متون دینی باید مد نظر قرار گیرد و آن هم اقتضانات زمان و شرایط خاصی است که ممکن است رفتار یا گفتار

خاصی را پدید بیاورد. با توجه به اینکه صحبت از مسأله زن بعد از یک جنگ سنگین، اصولاً خاص و متفاوت است، ربط این مسأله کاملاً عقلانی به نظر می‌رسد. در این خطبه سه صفت برای زنان با دلایلی ذکر شده است. وجه مشترک این اوصاف کلمه " نواقص " است. از آنجایی که بسیاری از لغات عربی به زبان فارسی وارد شده و تحت تاثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته است، هر لغت شاید معنایی را به ذهن متبادر کند که با معنای اصلی خود تفاوت چشمگیری داشته باشد. در مورد کلمه نواقص هم همین طور است:

معنایی که از کلمه ناقص در زبان فارسی خطور می‌کند به معنای کمبود و نقصان و ضعف است در حالی که در زبان عرب گاهی با کلمه " تفاوت " مترادف استفاده شده است. مثل آیه ۳ سوره ملک " ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت / در نظم خدای رحمان نقصانی نخواهی یافت. "

پس منظور حضرت امیر در استفاده از این کلمه، کمبود و کاستی نبوده است، چرا که اگر از این عبارات معنای کمبود دریافت شود به این معناست که خداوند نیمی از مخلوقاتش را ناقص آفریده است که این مسأله هم با حکمت پروردگار در تضاد است، و هم با علم حضرت امیر(ع).

نواقص الایمان

همه مفسران و مترجمان می‌گویند منظور از کلمه ایمانکم در آیه (وما کان الله لیضیع ایمانکم ان الله بالناس لرووف رحیم- خداوند ایمان شما را تباه نساخت همانا خداوند دلسوز و مهربان است)، نماز می‌باشد. این دقیقاً همان معنایی است که حضرت علی(ع) در خطبه به آن اشاره کرده است. دلیلی که در این خطبه برای تفاوت ایمان زن و مرد بیان شده برکنار بودن زنان از نماز و روزه در ایام خاصی است. این یک مسأله کاملاً طبیعی است که خداوند در وجود زن قرار داده و این تفاوت به هیچ وجه جنبه ارزشی ندارد.

نواقص العقول

دلیلی که در این خطبه برای تفاوت عقلی زن و مرد بیان شده است، نصف بودن شهادت زن در برابر شهادت مرد، یا به عبارتی شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است. آیه ای که این حکم از آن استنباط می‌شود آیه ۲۸۲ سوره بقره است: "و دو شاهد مرد به شهادت گیرید، اگر نبود یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت دهند تا اگر یکی فراموش کرد دیگری به یاد او بیندازد. "

در اینجا توجه به چند نکته ضروری است:

(۱) عده ای از مفسرین معتقدند که این آیه تنها در مورد دعاوی دیون، صدق می‌کند و چون در مورد سایر دعاوی ساکت است نمی‌توان بدون قرینه محکمی حکم را تعمیم داد.

۲) این حکم در مورد شهادت کلیت ندارد و برخی از دعاوی هستند که فقط شهادت زنان نافذ است.

۳) مرد به دلیل نقشی که اسلام در بیرون از منزل برای او قائل است، در اتفاقات اجتماع، بیشتر درگیر است، پس طبیعی است که بیشتر از زن که اسلام نقش پراهمیت آن را مدیریت داخلی می داند در جریان جزییات امور باشد و طبیعی تر آنکه هرکس بیشتر در جریان امری باشد احتمال فراموشی کمتری نسبت به آن قضیه دارد. همانطور که اگر مردی در شغل خاصی باشد در جریان مشاغل دیگر به طور جزیی نمی تواند قرار بگیرد، زن هم به دلیل نقش پراهمیت و وقت گیری که در داخل خانه دارد بیشتر در جریان جزییات امور داخلی است و می توان کاملاً عقلانی به این نتیجه رسید که این تفاوت ها جنبه ارزشی ندارند.

۴) علاوه بر اینها زن به دلیل ساختار ویژه شخصیتی اش که روح وی را آماده پذیرش نقش های حساس و دقیق می کند، پر از عواطف و احساسات لطیف و انسانی است و کافی است مورد تاثر اتفاقات تاسف برانگیز در حال جریان در محاکم قرار بگیرد، در نتیجه احساساتش غلیان خواهد کرد و خیلی از مسائل را تحت تاثیر قرار خواهد داد. البته لازم به ذکر است که این نقطه ضعف زن محسوب نمی شود؛ بلکه به جرات می توان گفت بزرگترین نقطه قوت زن است؛ چرا که نقش والای مادری و نقش پراهمیت همسری خالی از این عنصر مهم در حقیقت، بی معنا خواهد بود. به همین جهت شارع، مناسب تر دیده، مردان که در این زمینه کنترل بیشتری بر عواطف خود دارند در مرکزیت این مسأله باشند.

۵) به این نکته نیز می توان توجه کرد:

زن نگهبان اساسی عواطف حیات است و چون بقای انسان بیش از هر چیز به عاطفه نیاز دارد، وجود این نعمت عظیم در زن، آن را از پرداختن به نمودهای خشک زندگی باز می دارد و برای آنها ارزش درجه دومی دارد.

نقصان عقل زنان یکی به دلیل کاستی استعداد و طبیعت آنان و قصورشان از پذیرش عقل است و دیگری معاشرت اندک آنان با اهل دانش. قوای حیوانی در آنان غالب است و آنان بی شرم تر، مکارتر، و آماده تر برای پذیرش مکرند. لذا به پوشش و خانه نشینی الزام شده اند (بحرانی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴)

اما نکته دیگری در باب تفاوت عقل زن و مرد لازم به ذکر است: عقل را اصولاً از دو جنبه بررسی می کنند: جنبه عملی و جنبه نظری.

عقل نظری: مربوط به مسائل تئوریک و شناختی است که در این زمینه تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد بلکه تجربه ثابت می کند که گاهی زنان در این مرحله از مردان برتر بوده اند. مثل نسبت قبولی کنکور و المپیادها...

عقل عملی: مربوط به بایدها و نبایدهاست. به اینکه به چه چیزی باید و به چه چیزی نباید عمل بشود. در این مرحله حوزه عملکرد زن و مرد متفاوت است چراکه عمل در برخی از حوزه ها اصولاً نیازمند ویژگی های خاصی است که ممکن است هر یک از زن و مرد نداشته باشند. این تفاوت نمی تواند جنبه ارزشی داشته باشد چراکه باز می گردد به برخی ویژگی های طبیعی. به طور مثال زن بخاطر ویژگی هایی مثل ظرافت، دقت، ریز بینی، صبر و شکیبایی قادر به انجام کارهایی است که اصلاً مرد توانایی آن را ندارد چون ویژگی های طبیعی اش اجازه نمی دهد. برعکس مرد به دلیل داشتن نگاه کلان، استفاده از سختی و خشکی در مدیریت و کلی نگری قادر است کارهایی را انجام دهد که زن قادر به انجام آن نخواهد بود. این ها نمی تواند دلیل برتری گروهی بر گروهی دیگر باشد.

عقل عملی متوجه حقایق است و حسن نیت و اراده خیر را به انسان می دهد و بنیاد عقاید دینی و اخلاقی را استوار می سازد و منشأ ایمان است نه تشکیک. (رحمانی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۶).

نواقص الحظوظ

سومین نکته فرمایش حضرت علی (ع) مربوط به ارث زنان می باشد، نواقص الحظوظ. دلیلی که در این خطبه برای تفاوت بهره وری زن و مرد از اموال، آمده است این است که ارث زن نصف ارث مرد است.

در ابتدا باید ذکر کرد که این مسأله کلیت ندارد و در برخی موارد ارث زن و مرد مساوی است:

- ۱) اگر وارث، فقط پدر و مادر و یک پسر باشد، ارث به شش قسمت تقسیم می شود، چهار قسمت به پسر و دو قسمت باقی مانده بین پدر و مادر مساوی تقسیم می شود.
- ۲) اگر میت برادر و خواهر مادری داشته باشد، مال بین آنها مساوی تقسیم می شود.
- ۳) اگر وارث منحصر به پدر بزرگ و مادر بزرگ مادری باشد، ارث بین آنها مساوی تقسیم می شود.

اما آنجایی که مرد دو برابر زن ارث می برد:

- ۱) اسلام یک سلسله مباحث به هم پیوسته است. عملی ترین سیره قابل برداشت همان تقسیم کاری است که پیامبر اعظم در مورد حضرت زهرا(س) و حضرت علی(ع) انجام دادند و مدیریت داخلی خانه را به حضرت زهرا و مدیریت بیرون از منزل را به حضرت علی سپردند.
- درست است که اسلام دینی برای همه قرون و اعصار است اما این نکته ظریف نباید از نظر دور باشد که چون اسلام برنامه بلند مدتی است باید به اقتضاء بلند مدت بودن خود، کلی باشد و قابلیت انطباق با مفاهیم جدید را در خود داشته باشد. کلی بودن اسلام در این زمینه هم این است که اصالت نقش اقتصادی را به مرد داده و همین اصالت را به زن نداده است. و به همین

لحاظ است که به جرات می‌توانیم بگوییم بزرگترین لطفی که اسلام به لحاظ روحی در حق زن کرد، برداشتن نقش و مسؤولیت اقتصادی از دوش زن بود.

اسلام به لحاظ کلی بودن و قابلیت انطباق داشتن، به زن نقش اقتصادی نداده ولی استقلال اقتصادی زن را به رسمیت شناخته است و از همین نکته می‌توان استنباط کرد که فعالیت‌های بیرون از منزل زن منافاتی با اسلام ندارد تنها مسأله قابل توجه این است که نقش اقتصادی بر دوش مرد هست و بر دوش زن نیست. حال با توجه به این برنامه ریزی کلی که اسلام ارائه داده و با این چینش نقش‌ها آیا اصلاً موافق انصاف است کسی که نقش و مسؤولیت اقتصادی دارد با کسی که چنین نقش و مسؤولیتی را به عهده ندارد از ارث یکسان بهره‌مند شوند؟ شاید این مدبرانه‌ترین راه حل است که اسلام برگزیده است.

اما مسأله قابل توجه اینست که امروزه زنان زیادی مسؤولیت اقتصادی محوری در خانه دارند این تدبیر چگونه عملی خواهد بود؟

در پاسخ باید گفت ما در مورد این حکم نص صریح قرآن را داریم که ارث زن نصف ارث مرد است ولی قانونگذار می‌تواند به عنوان انجام وظیفه از طرف حکومت اسلامی این خلا را با پیش‌بینی تاسیس‌های اقتصادی دیگر جبران کند.

۲) مردها بیشتر در معرض نوسانات اقتصادی و ضررهای اقتصادی هستند.

۳) زنان چه فقیر باشند چه ثروتمند، پرداخت نفقه‌شان بر مرد واجب است حتی اگر دارایی زن چند برابر مرد باشد.

۴) علاوه بر همه این‌ها زنان یک ذخیره اقتصادی محفوظ دارند به نام "مهریه".

عبدالله بن سنان می‌گوید: به ابو عبدالله گفتم چرا زنان نصف مردان ارث می‌برند؟ آن حضرت فرمودند: خداوند مهریه را برای زنان قرار داده است. (علامه خوبی، ۱۳۷۹، ۳۰۵). چرا که مردان مالکیت بیشتر و بهره‌ کمتری دارند و زنان بالعکس. زیرا زن در مال خود مستقل‌الاراده است و شوهر نمی‌تواند دخالتی داشته باشد. (رحمانی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۵).

در ادامه خطبه حضرت امیر، نکته‌ای را در مورد زنان فرموده‌اند و آن اینست که "از زنان شر دوری کنید!". انسان باید از شر دوری کند، چه مرد باشد و چه زن. اما در این زمینه زن چه تفاوتی دارد که لازم بوده بیان شود؟

شر در هر صورتی به انسان ضرر می‌رساند، تنها نکته‌ای که در این زمینه باقی می‌ماند اینست که زن چون به اسرار نهانی و نقاط ضعف و قوت مرد به خوبی آگاهی دارد، اگر ضربه‌ای به مرد وارد کند، تلخ‌تر و جان‌گدازتر خواهد بود.

می‌توان گفت منظور امام از ایراد این خطبه، بیان تناسب اجتماعی زن و مرد است و با توجه به شرایط خاص خطبه و ربط خاصی که به عایشه (که یک زن است) دارد، می‌توان گفت امام درصدد بیان این مسأله بودند که تناسب اجتماعی زن این اجازه را نمی‌دهد که

وارد برخی مسائل شود مثل مسائل نظامی، کمابینکه در جاهای دیگری هم از مشورت با زنان در امور نظامی منع کردند. این نه نقص زن است و نه برتری مرد، چراکه انجام امور نظامی نیازمند ویژگی‌هایی چون کلان‌نگری، قدرت جسمانی زیاد، خشکی و سردی... می‌باشد و این‌ها با طبیعت مرد بیشتر سازگار است تا زن. این‌ها جنبه ارزشی ندارند همانطور که امروزه دیگر ارتش آلمان نیروی زن نمی‌پذیرد، چرا که معتقد است تجربه تلخ جنگ جهانی ناشی از حضور زنان در ارتش بود.

بحث و نتیجه گیری

کتاب گران سنگ نهج البلاغه و کلمات گوهر بار امام علی (ع)، فارغ از نگاه اعتقادی و مذهبی برای عموم بشر مفید و ارزشمند است.

اما در پاره ای از خطبه‌ها و عبارات نهج البلاغه نکاتی درباره حقوق زن وجود دارد که در نخستین برخورد شگفت آور به نظر می‌رسد. امیرالمومنین علی (ع) به عنوان شخصیتی که بر کرامت انسانی، عدالت و ارزش‌های متعالی تاکید ورزیده، شناخته شده است، صدور سخنانی که زن را تحقیر نماید ذهن سوز می‌باشد. به همین خاطر، موضوع زن و حقوق و شخصیت او بیش از یک قرن است که دستمایه آگاهان و ناآگاهان برای متهم ساختن اسلام و شریعت اسلامی شده، در نتیجه شبهات و پرسش‌های زیادی را از بیرون و درون جامعه اسلامی پدید آورده است.

از این رو، برخی روشنفکران با نگاه انتقادآمیز به تبعیض حقوقی زن و مرد از نگاه حضرت امیر(ع) حکم نموده‌اند؛ عده‌ای نیز به فرو دستی زن در نهج البلاغه حکم کرده‌اند و آن را در شأن علی (ع) نمی‌دانند؛ گروهی دیگر بخاطر اجتناب از چنین رویکردی به تاویل و تفسیر به رای خطبه‌ها روی آورده‌اند؛ و بعضی هم به ظاهر عبارات و گفته‌های نهج البلاغه اکتفا کرده و آن را مطابق اسلام و شریعت پنداشته و زن را فرودست، ناقص و بی ارزش، و مرد را فرادست، با ارزش و کامل می‌دانند.

اما در این تحقیق و بررسی در سیره حضرت ثابت شد که آن حضرت علی رغم سنت جاهلیت به شخصیت و مقام زن احترام بسیار می‌گذاشته است. به بیان برابری زن و مرد می‌پردازد و در کرامت و منزلت زن همین بس که او را مظهر جمال و عطوفت الهی معرفی نموده و در بخشی دیگر از زن به عنوان امانت الهی یاد می‌کند که همچون امانت‌های دیگر خداوند ارزشمند و قابل احترام می‌باشد و باید آنچنان که شایسته امانت گذار است از او محافظت و نگهداری شود. امام علی (علیه السلام) پیش از هر مکتب مادی طرفدار زن، مدارا با زنان را تحت هر شرایطی حتی در صورت بد رفتاری و اهانت لازم و ضروری دانسته و خشونت و تعرض به او را محکوم نموده است.

نقشی که زن در تربیت و پرورش نسل بشری ایفا می کند جایگاه ممتاز و منحصر به فرد او را در نظام خلقت مشخص می سازد و از او با عنوان محرم اسرار الهی یاد می کند. حضرت به احیای حقوق زن از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی، اجتماعی ... توجه خاصی مبذول می فرمود. افزون بر آنکه مردان را به رعایت حقوق زنان توصیه می کند.

منابع

- قرآن
- ابن بابویه القمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۷۴). معانی الاخبار. چاپ اول، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- امام علی (ع)، نهج البلاغه. چاپ پنجم، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۸)، تهران، انتشارات پیام عدالت.
- بحرانی، میثم ابن میثم، (۱۳۷۴). شرح نهج البلاغه. بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی مشهد.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۴۴). نبی گرامی اسلام (ص). نهج الفصاحه. چاپ چهارم، تهران، انتشارات جاویدان.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷) زن در آینه جلال و جمال. چاپ هفدهم، قم، انتشارات اسراء.
- حکیمی، محمد، (۱۳۸۳). دفاع از حقوق زن. چاپ چهارم، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- دورانت، ویل، (۱۹۷۰). تاریخ تمدن. چاپ اول، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشارات اقبال.
- علایی رحمانی، فاطمه، (۱۳۶۹). زن از دیدگاه نهج البلاغه. چاپ اول، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی.
- علامه خویی، عبدالله، (۱۳۸۷) منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، جلد ۲۱، چاپ اول، قم، انتشارات تبیان.
- نجفی یزدی، سید محمد، (۱۳۷۸). ازدواج و روابط زن و مرد. قم، دفتر انتشارات اسلامی.